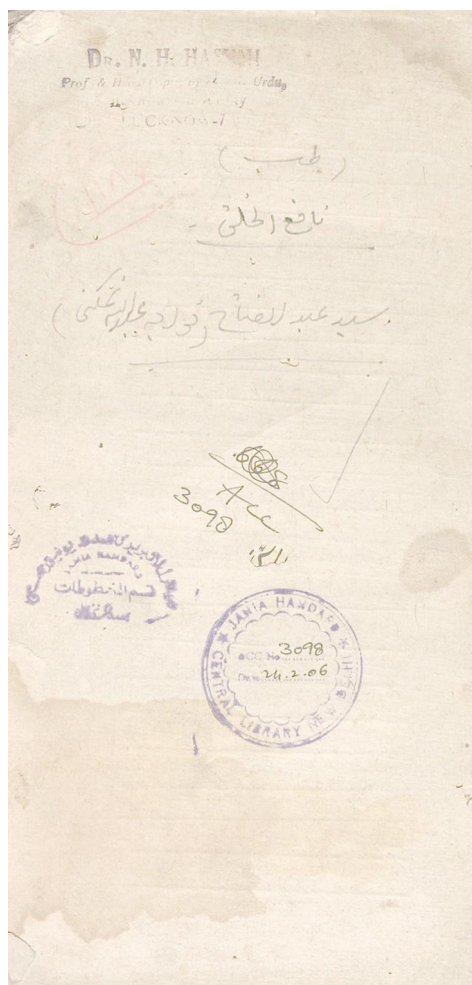
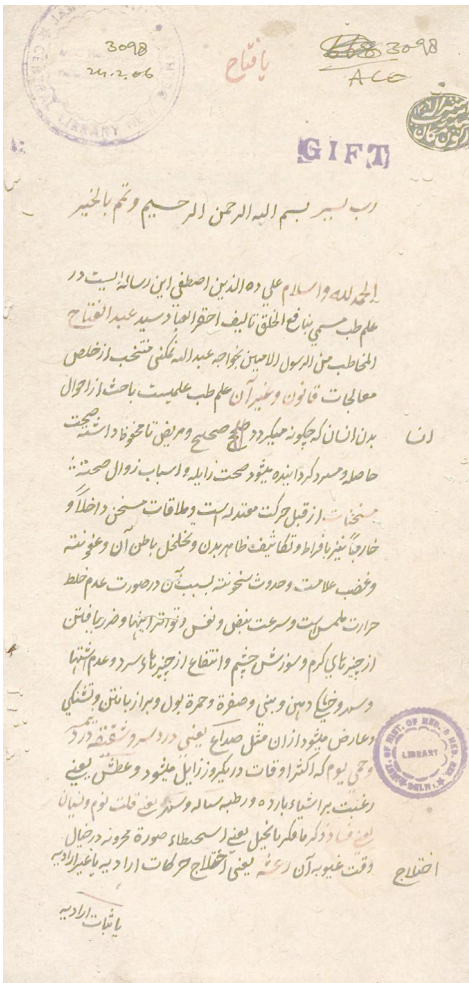




یا ثبات از ادویه و تحرک غیر از ادویه و عصبیه که عبارت است
از وجع حاضی و زحام یعنی حرکت این فصول از مقدم
دماغ به موخین و نزله یعنی حرکت این سوراخ و بعضی
التهاب یعنی دشمن داشتن چشم رویش را و مله عین
یعنی پدید آمدن کدورت در چشم و وجع لادن یعنی درد گوش
و طرش یعنی نقصان سیم و نوشین شام یعنی دردک بوی غیره
و عطاش یعنی کثرت عطش و جفاف الفه یعنی خشک شدن
و بزرگنده دهن و وجع انس یعنی درد دندان و تحت الصوت یعنی
کرفی آواز غیر نفس یعنی تنفس شدن دم و جفافان یعنی حرکت
اعضا چه در دفع مودی با نقیاض و جهت استراجه با نشاط
و قذف القلب یعنی بخل خروج قلب و قلت لبن یعنی بی شیر
و کوه از هر چه حاضی و ضعف دماغ و قلب و کبد و معده و طحال
و سائر ورم و امعا با حس حراره در مواضع این اعضا در
و نقصان در حرکت طعام و ضعف باه و قوت یعنی حرکت معده
لاخراج مایهها از بدن یا خروج مایهها و تهنه یعنی حرکت این
برای اخراج مایهها فقط و غشای یعنی تفاهای می و قلب
نفس یعنی غشای لازم و وجع فو یعنی درد معده و اسهال
کبدیه در دبه یعنی برآمدن برای در صورت درد باه و ضعف
استهنا و عطش و اسهال بشارکت بود مزاج همه بدن و کوه
یعنی رداوت از غذا با فساد رنگ و بیش از حد قلیل بودم
و یرقان یعنی کثرت صفه لونی بدن در ماعش یعنی کثرت
شرب آب با عطش و خروج آن سرعت از راه بول



بسم الله الرحمن الرحيم و تم بالخیر

الحمد لله و السلام علی ده الذین اصطفی ابن رساله البیت در
علم طب سیمینای خلق تالیف احقر العباد سید عبدالحق
المطالع من الریال اللاحقین بنو عبد الله کلنی منتخب از مخلص
معالجات قانون و غیر آن علم طب علمیت باحث از احوال
بدن انسان که بکوزن حیدر در طبع صحیح و مراضی تا چون در استجبت
حاصل و صمد و کمر داند و میوه و صحت را بد و اسباب زوالی صحت
میستخانی از قبل حرکت معتدله است و ملاقات مسخ و اخلا و
خارج نیز با فراط و کثافت ظاهر بدن و تحلیل باطن آن و علو نمته
و غضب علامت و صورت سخن است بسبب آن در صورت عدم حفظ
حرارت مملکت و سرعت نفس و نفس و تواتر آنها و ضربات
از جنه مایه کم و نورش چشم و ارتفاع از جنه مایه و عدم تنها
و سرد و قیاس و بین و بینی و صفه و حمره بون و مایه باقی و تنگی
و عارض میشود از آن مقل صداع یعنی در سرد و شعله در
چون یوم که اکثر اوقات در یکدیگر زایل میشود و عطش یعنی
رغبت بر آشامد بارده و در طلب سلسله و کثرت غلبه نوم و لیا
یعنی و در مایه باقی یعنی اسهال صورت خور و در تنه
اصلاح وقت غیور بر آن رعشه یعنی اصلاح حرکات ارادیه یا غیر ارادیه

یا شایسته ارادیه

[illegible]